



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطة

درس ۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

مقدمه

قبلاً گفتیم که جایز است انسان لقطه غیر حرم را بردارد ولی بر او واجب می شود تا یکسال آن را معرفی و اعلان کند^۱ و اگر صاحبش تا یک سال پیدا نشد بین سه عمل مخیر است. یکی از آن سه عمل، صدقه دادن لقطه به همراه ضمان آن بود و بحث فعلی ما ادامه استدلال بر همین مطلب است. برای اثبات این عمل به روایت حفص بن غیاث استدلال شده، که بعد از بیان ضعف سندی آن، صحیحہ علی بن جعفر (علیه السلام) را به جای آن مورد استناد و استدلال قرار خواهیم داد. سپس برای عمل تخییری دوم که تملک لفظ به همراه ضمان آن بود استدلال خواهیم کرد.

^۱. البته اگر مقدار و لقطه بیش از مقدار شرعی یعنی مقدار یک درهم باشد همچنین باید قابلیت تعریف و شناسایی داشته باشد.

متن درس

اما طريق الشيخ فبلحاظ على بن محمد القاساني - الذي لم يوثق بل غمز عليه احمد بن محمد بن عيسى على ما نقل النجاشي - و بالقاسم بن محمد المعروف ب «كاسولا» الذي قال عنه النجاشي: «لم يكن بالمرضى» و اما طريق الشيخ الكليني فهو ضعيف بذلك و بالارسال و اما طريق الشيخ الصدوق فهو ضعيف بالقاسم بن محمد حيث ان طريقه الى المنقري في مشيخة الفقيه يمر به و المناسب - بعد ضعف سند رواية حفص - الاستدلال بصحيفة على بن جعفر عن أخيه عليه السلام: «و سألته عن الرجل يصيب اللقطة فيعرفها سنة ثم يتصدق بها فيأتي صاحبها ما حال الذي تصدق بها؟ و لمن الاجر؟ هل عليه ان يرد على صاحبها او قيمتها؟ قال : هو ضامن لها و الاجر له الا ان يرضى ص احبها فيدعها و الاجر له.» و سندها تام لأنها بطريق قرب الاسناد و ان كانت ضعيفة بـ «عبدالله بن الحسن» حيث انه مجهول الحال الا ان صاحب الوسائل رواها من كتاب على بن جعفر و طريقه اليه صحيح على ما أوضحنا في أبحاث سابقة.

و اما بالنسبة الى جواز التملك مع الضمان فقد يستدل عليه بصحيفة الحلبي عن ابي عبدالله عليه السلام: «اللقطة يجدها الرجل و يأخذها قال : يعرفها سنة فان جاء لها طالب و الا فهي كسبيل ماله » الا انها لا تدل على الضمان، و من هنا نحتاج الى ما يدل على ذلك و قد يستدل عليه برواية حنان : «سأل رجل ابا عبدالله عليه السلام و انا اسمع عن اللقطة فقال: تعرفها سنة فان وجدت صاحبها و الا فانت احق بها. و قال: هي كسبيل مالك و قال: خيرها اذا جاءك بعد سنة بين اجرها و بين ان تغرمها له اذا كنت اكلتها»، و لكنها ضعيفة بـ «ابي القاسم» فانه مجهول الحال.

و الاولى ان يستدل على ذلك:

اما بالأولوية، بتقريب ان الضمان اذا كان ثابتا في حالة التصديق فبالأولى يكون ثابتا في حالة التملك او بصحيفة على بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام : «سألته عن رجل اصاب شاة في الصحراء هل تحلّ له؟ قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله: هي لك او لأخيك او للذئب فخذها و عرفها حيث اصبتها، فان عرفت فردّها الى صاحبها، و ان لم تعرف فكلها و انت ضامن لها ان جاء صاحبها يطلب ثمنها ان ترددها عليه»، بناءً على التعدي من الضالة الى اللقطة و عدم فهم الخصوصية لذلك ثم ان جملة : «و الا فهي كسبيل ماله الواردة في صحيفة الح لبي قد يستفاد منها ان اللقطة تصير بعد التعريف و عدم العثور على المالك ملكا للملتقط بلا حاجة الى قصده . و في المقابل قد لا يستفاد منها الا جواز التصرف و الانتفاع بها كما ينتفع بالملك. و تبقى القضية بعد هذا مرهونة باستظهار الفقيه.

نقد سند روایت حفص بن غیاث و تمسک به صحیحہ علی بن جعفر

مصنف در بحث گذشته به روایتی از ابن غیاث تمسک کرد و گفت این روایت از نظر سند دارای اشکال است، اما این مشکل از ناحیه ابن غیاث نیست با آنکه او از راویان عامه است. این روایت را مشایخ ثلاثه یعنی شیخ صدوق، کلینی و شیخ طوسی در کتب اربعه ذکر کرده‌اند، اما سند هر سه آنها ضعیف می‌باشد.

ضعف سند شیخ طوسی از این جهت است که در آن شخصی به نام «علی بن محمد قاسانی» ذکر شده که طبق نقل نجاشی نه تنها توثیق ندارد؛ بلکه مورد طعن و عیب جوئی «احمد بن محمد بن عیسی» واقع شده است. همچنین شخص دیگری به نام «قاسم بن محمد» معروف به «کاسولا» در سند شیخ وجود دارد که نجاشی در مورد او گفته است که «این راوی مورد پسند و رضایت نیست».

طریق کلینی نیز به دلیل وجود این دو شخص (یعنی «علی بن محمد قاسانی» و «قاسم بن محمد کاسولا») در سند آن و مرسل بودن ضعیف می‌باشد و طریق شیخ صدوق هم به دلیل وجود «قاسم بن محمد» در سند آن ضعیف است.

اما مصنف به روایت دیگری که همان صحیحہ علی بن جعفر^۱ است برای این مسئله استدلال می‌کند. در این روایت که در وسائل الشیعه از قرب الاسناد نقل شده است علی بن جعفر از امام موسی کاظم (علیه السلام) ضامن بودن صدقه دهنده لقطه را نقل می‌کند.^۲

این روایت از طریق «عبدالله بن حسن» نقل شده که یکی از نوادگان علی بن جعفر است و توثیق خاصی ندارد و رجالی‌ها او را مجهول الحال می‌دانند، اما به دلیل اینکه این روایت در کتاب علی بن جعفر آمده و شیخ حر عاملی و علامه مجلسی سر آن را صحیح دانسته‌اند معتبر است.

استدلال بر جواز تملیک به همراه ضمان

دومین عمل تخییری این بود که یابنده لقطه را برای خود بردارد ولی باز ضامن است. دلیل بر جواز این صورت صحیحہ حلبی از امام صادق (علیه السلام) است.

اما در این روایت دلالتی بر ضمان وجود ندارد، بلکه فقط دو مطلب در آن است:
الف) تعریف لقطه تا یکسال؛

ب) مالک شدن لقطه بعد از یکسال تعریف (در صورتی که صاحبش پیدا نشود).

^۱ . بیشتر بدانید: علی بن جعفر فرزند امام صادق (ع) و برادر امام موسی کاظم (ع) یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه و بسیار مورد عنایت اهل بیت بوده است که کتابی به نام مسائل علی بن جعفر دارد که از طریق مرحوم مجلسی و شیخ حر عاملی به دست ما رسیده که حدود هزار روایت دارد و صاحب بحار به همین نام مستقلاً آورده است. و چون در روستای عزیر زندگی می‌کرده به علی بن جعفر عزیری معروف گردید.

^۲ . بیشتر بدانید: اصطلاح قرب الاسناد درباره روایتی است که با کمترین واسطه از معصوم نقل شده باشد. البته در اینجا عنوان «قرب الاسناد» نام کتابی از حموی است. رک: اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه، سبحانی، ص ۷۸-۷۹.

برای اثبات ضمان در مالی که یابنده برای خود برداشته است به روایت حنان بن سدیر تمسک شده است . در این روایت بر ضامن بودن یابنده پس از مالکیت تأکید شده است؛ اما در سند این روایت مردی به نام «ابوالقاسم» وجود دارد که توثیق نشده و مجهول الحال است؛ بنابراین برای ضمان نمی‌توان به این روایت تمسک کرد. مصنف برای ضمان دو راه پیشنهاد می‌کند که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

تطبیق

اما طریق الشیخ فیلحظ علی بن محمد القاسانی - الذی لم یوثق بل غمز علیه احمد بن محمد بن عیسی علی ما نقل النجاشی^۱ - و بالقاسم بن محمد المعروف ب «کاسولا» الذی قال عنه النجاشی: «لم یکن بالمرضى»^۲.

سند روایت حفص بن غیاث که توسط مشایخ ثلاث نقل شده دارای اشکال است؛ زیرا در طریق شیخ نام علی بن محمد قاسانی (کاشانی) آمده است که نه تنها توثیق نشده، بلکه بنا به گفته نجاشی، احمد بن محمد بن عیسی، بر او طعنه زده است. علاوه بر آن در این طریق، فردی به نام قاسم بن محمد معروف به «کاسولا» مذکور است که نجاشی درباره‌اش گفته: «مورد رضایت نبوده است».

و اما طریق الشیخ الکلینی فهو ضعیف بذلک و بالارسال.

طریق شیخ کلینی علاوه بر اشکال فوق، مرسل نیز می‌باشد.

و اما طریق الشیخ الصدوق فهو ضعیف بالقاسم بن محمد حیث ان طریقہ الی المنقری فی مشیخة الفقیه یمر به.^۳

طریق شیخ صدوق نیز به سبب وجود قاسم بن محمد در سند آن ضعیف است؛ زیرا طریق صدوق به منقری در مشیخة من لایحضره الفقیه از قاسم بن محمد کاسولا می‌گذرد.

و المناسب - بعد ضعف سند روایة حفص - الاستدلال بصحیحة علی بن جعفر عن أخیه علیه السلام : «و سألتہ عن الرجل یصیب اللقطة فیعرفها سنة ثم یتصدق بها فیأتی صاحبها ما حال ا لذی تصدق بها؟ و لمن الاجر؟ هل علیه ان یرد علی صاحبها او قیمتها؟ قال: هو ضامن لها و الاجر له الا ان یرضی صاحبها فیدعها و الاجر له»^۴.

مناسب این است که - پس از ضعف سند روایت حفص - به صحیحہ علی بن جعفر از برادرش تمسک شود که گفت: از برادرم پرسیدم مردی لقطه‌ای را پیدا می‌کند و تا یک سال آن را تعریف کرده سپس آن را صدقه می‌دهد، بعداً صاحبش پیدا می‌شود، وظیفه صدقه دهنده در قبال صاحب مال چیست؟ ثواب صدقه برای کیست؟ آیا باید آن مال یا قیمتش را به صاحبش برگرداند؟ امام فرمود: او ضامن لقطه است و ثواب صدقه به او تعلق دارد، مگر آن که صاحب مال به صدقه دادنش راضی شود و دست از ادعایش بردارد، در این صورت ثواب برای او است.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۸۰، منشورات الداوری.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۲۲.

۳. لاحظ مشیخة الفقیه المذكورة فی آخر الجزء الرابع من الفقیه، ص ۶۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۵۲، الباب ۲ از ابواب لقطه، حدیث ۱۴.

و سندها تام، لأنها بطريق قرب الاسناد^۱ و ان كانت ضعيفة بـ «عبدالله بن الحسن» حيث انه مجهول الحال الا ان صاحب الوسائل رواها من كتاب علي بن جعفر و طريقه اليه صحيح علي ما أوضحنا في أبحاث سابقة.

سند این روایت صحیح است؛ زیرا این روایت دو طریق دارد، یکی طریق قرب الاسناد که مشتمل بر عبدالله بن حسن است و وی توثیق نشده ؛ دوم طریق صاحب وسائل الشیعه که آن را از کتاب علی بن جعفر نقل کرده و همان طور که در بحثهای گذشته توضیح داده ایم طریق صاحب وسائل الشیعه به این کتاب صحیح است. و اما بالنسبة الى جواز التملك مع الضمان فقد يستدل عليه بصحیحة الحلبي عن ابي عبدالله عليه السلام: «اللقطة يجدها الرجل و يأخذها قال: يعرفها سنة فان جاء لها طالب و الا فهي كسبيل ماله»^۲

اما نسبت به جواز تملك همراه با ضامن بودن فرد تملك کننده (در صورتی که صاحبش پیدا شود) به صحیحه حلبی از امام صادق (علیه السلام) استدلال شده، که آن حضرت درباره مردی که لقطه ای را یافته و آن را برمی دارد فرمودند: تا یک سال آن را تعریف می کند اگر جوینده آن آمد به او می دهد و گونه در حکم مال خودش می باشد. «الا انها لا تدل علی الضمان، و من هنا نحتاج الى ما يدل علی ذلك .

اما این روایت بر ضامن بودن ملقط دلالت ندارد؛ بنابراین به دلیلی نیازمندیم که بر آن دلالت کند. و قد يستدل عليه برواية حنان: «سأل رجل ابا عبدالله عليه السلام و انا اسمع عن اللقطة فقال: تعرفها سنة فان وجدت صاحبها و الا فانت احق بها. و قال: هي كسبيل مالك .

بعضی نیز به روایت حنان برای اثبات ضمان تمسک کرده اند که گفت: مردی از امام صادق (علیه السلام) درباره لقطه پرسید و من می شنیدم، امام فرمود: تا یک سال آن را تعریف می کنی اگر صاحبش آمد به او می دهی و گرنه تو به آن سزاوارتری و فرمود: مانند مال خودت می گردد.

و قال: خيره اذا جاءك بعد سنة بين اجرها و بين ان تغرمها له اذا كنت اكلتها^۳، و لكنها ضعيفة بـ «أبي القاسم» فانه مجهول الحال.

و گفت: اگر پس از گذشت یک سال آمد او را م خیر کن بین اینکه پاداش صدقه را ببرد یا غرامتش را به او بدهی اگر آن را مصرف کرده ای». این روایت ضعیف است زیرا مشتمل بر فردی به نام «أبو القاسم» است که حالش مجهول بوده و توثیقی ندارد.

۱ . بیشتر بدانید: سند روایت مذکور در کتاب قرب الاسناد به این بیان است: عبدالله بن جعفر فی قرب الإسناد عن عبدالله بن الحسن عن جدّه عن علی بن جعفر عن أخیه موسی بن جعفر (ع).

۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۹، الباب ۲ من أبواب اللقطة، الحدیث ۱.

۳ . مراجعه کنید: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۵۰، الباب ۲ من أبواب اللقطة، الحدیث ۵. السند هكذا: «باسناده (ای الشیخ فی التهذیب) عن محمد بن أحمد بن یحیی عن محمد بن عبد الجبار عن أبي القاسم عن حنان قال سأل رجل أبا عبدالله (ع) و أنا أسمع عن اللقطة.»

۱. روایت حفص بن غیاث از طرق مشایخ ثلاث
۱. طریق شیخ طوسی (ره) ۱. سند روایت مشتمل بر علی بن محمد کاشانی است که نه تنها توثیق نشده بلکه بنابر گفته نجاشی احمد بن محمد عیسی بر او طعنه زده.
۲. طریق شیخ کلینی (ره) ← علاوه بر اشکال فوق، مرسل نیز می باشد.
۳. طریق شیخ صدوق (ره) ← به سبب وجود قاسم بن محمد ضعیف است.
۲. به صحیحہ علی بن جعفر از دو طریق
۱. طریق قرب الاسناد که مشتمل بر عبدالله بن حسن می باشد و او توثیق نشده است (غیر صحیح).
۲. طریق صاحب وسائل الشیعه که از کتاب علی بن جعفر نقل کرده و طریق او به این کتاب صحیح است (صحیح).
۱. صحیحہ حلبی
۱. سند روایت خوب است.
۲. ولی این روایت بر ضامن بودن ملقط دلالت ندارد.
۲. روایت حنان
۱. این روایت بر ضامن ملتقط دلالت دارد.
۲. ولی سند این روایت مشتمل بر فردی بنام «ابوالقاسم» است که مجهول الحال بوده و توثیقی ندارد.

دلیل جواز
تملک همراه
با ضمان

Sco1: ۲۰:۳۷

دو راه برای اثبات ضمان در صورت تملک

قبلاً بیان گردید که در سند روایت حنان بن سدید، شخص مجهول الحالی بود که سند را از اعتبار ساقط می کرد؛ بنابراین برای اثبات ضمان در صورتی که یابنده، لقطه را به ملکیت خود در می آورد. دو راه مطرح می گردد:

راه اول: استدلال به اولویت به این بیان که طبق روایت علی بن جعفر از امام کاظم (علیه السلام)، اگر یابنده، بعد از یک سال لقطه را صدقه بدهد.^۱ ضامن آن است.

راه دوم: تمسک به صحیحہ علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (علیه السلام)، که طبق آن، کسی که گوسفندی را پیدا کرده و پس از یک سال تعریف آن را به تملک خود در آورده، ضامن می باشد.

اشکال دلالتی روایت پاسخ آن

اشکال: مورد این روایت «ضاله» است در حالی که بحث حاضر درباره لقطه است.

پاسخ: از نظر عرفی فرقی بین ضاله و لقطه وجود ندارد و می توان از حکم «ضاله» به حکم «لقطه» تعدی کرد.^۲

^۱ . پس اگر آن را برای خود بردارد به طریق اولی ضامن است. (قیاس اولویت)

^۲ . یعنی از جهت حکم ضمان، ضاله خصوصیتی ندارد و لقطه نیز مثل آن است. عرفاً الغای خصوصیت از ضاله می شود.

تملك لقطه، يا جواز تصرف در آن؟

نکته ديگر که بايد بررسي شود اين است که طبق صحيحه حلبی امام صادق (عليه السلام) فرمود لقطه بعد از یک سال همانند مال يابنده می شود، آیا مراد امام (عليه السلام) اين است که بعد از یک سال، شخص مالک لقطه می شود و حتی نيازى به قصد تملیک نیست يا اين که شخص صرفاً حق تصرف و انتفاع از مال پيدا می کند؟^۱ پاسخ اين سؤال بستگی به فهم و استظهار فقيه از روايت دارد.

تطبيق

و الاولى ان يستدل على ذلك:

اما بالأولوية، بتقريب ان الضمان اذا كان ثابتا في حالة التصديق فبالأولى يكون ثابتا في حالة التملك .

بهتر اين است که در استدلال بر ضمان بگوئيم : اگر ضمان شخصی در صورت صدقه دادن ثابت باشد، به اولويت قطعی در صورت تملك آن ثابت خواهد بود.

او بصحيحه على بن جعفر عن اخيه موسى بن جعفر عليه السلام : «سألته عن رجل اصاب شاة في الصحراء هل تحل له؟ قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : هي لك او لأخيك او للذئب، فخذها و عرفها حيث اصبتها، فان عرفت فردّها الى صاحبها، و ان لم تعرف فكلها و انت ضامن لها ان جاء صاحبها يطلب ثمنها ان تردّها عليه»^۲

يا اين که به صحيحه على بن جعفر از برادرش موسى بن جعفر (عليه السلام) تمسک کنیم که گفت : «از ايشان پرسيدم مردی که گوسفندی را در صحرا پي دا کرده آیا آن گوسفند برايش حلال است؟ امام فرمود : رسول خدا (صلی الله عليه و آله) فرمود: آن گوسفند نصيب تو يا برادرت و يا گرگ خواهد بود؛ آن را بردار و در همان محدوده ای که پيدا کرده ای تا یک سال تعريف کن، اگر صاحبش را شناختی به او برگردان و گر نه آن را مصرف کن، البته ضامن آن هستی که اگر صاحبش آمد و بهایش را مطالبه کرد به او بدهی.»

بناءً على التعدى من الضالة الى اللقطة و عدم فهم الخصوصية لذلك.

البته استدلال به اين روايت مبتنی بر اين است که بتوان از ضاله (حيوان پيدا شده) به لقطه (شئ پيدا شده) تعدی کرد و حکم ضاله را بر لقطه سرايت داد؛ يعنی از حيث ضمان خصوصیتی در حيوان و غير حيوان بودن مال نیست. ثم ان جملة: «و الا فهي كسبيل ماله» الواردة في صحيحه الحلبي قد يستفاد منها ان اللقطة تصير بعد التعريف و عدم العثور على المالك ملكا للملتقط بلا حاجة الى قصده. و في المقابل قد لا يستفاد منها الا جواز التصرف و الانتفاع بها كما ينتفع بالملك.

از عبارت «فهي كسبيل ماله» در صحيحه حلبی، گاهی چنين استفاده می شود که لقطه پس از یک سال تعريف کردن و پيدا نشدن مالکش به ملك ملقط در می آيد و نيازى به قصد تملك از سوى او نیست . در نقطه مقابل گله گفته

^۱ . ممکن است شئ جائز التصرف باشد اما ملک نباشد؛ مانند مسجد و آب شربى که برای استفاده مردم قرار داده اند.

^۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۶۵، الباب ۱۳ من أبواب اللقطة، الحديث ۷.

می‌شود که این عبارت فقط بر جواز تصرف و بهره بردن از لقطه همانگونه که از اموال خود استفاده می‌کند دلالت دارد.

و تبقى القضية بعد هذا رهونة باستظهار الفقيه.

بدین ترتیب، قضیه و مدلول روایت به فهم و استظهار فقیه بستگی دارد.

۱. اولویت ضمان در تملک، نسبت به ضمان تصدق.

۱. استدلال به ضمان یابنده در صورت
تملک لقطه

۲. صحیحہ علی بن جعفر از موسی بن جعفر (علیه السلام) که درباره گوسفند پیدا شده فرمودند: تا

یک سال تعریف کن، چنانچه صاحبش پیدا نشده مصرف کن ولی ضامن آن هستی.»

نکته: استدلال به این روایت مبتنی بر این است که بتوان از ضاله به لقطه تعدی نمود و حکم ضاله را بر لقطه سرایت داد.

الف) بعد از یک سال، لقطه به ملکیت یابنده در می‌آید و نیازی به قصد تملک

هم نیست.

۲. مراد امام (ع) از «فهی کسبیل ماله» در صحیحہ حلبی

ب) بعد از یک سال، یابنده حق تصرف و استفاده از مال را دارد.

Sco۲: ۳۰:۲۳

چکیده

۱. سند روایت حفص بن غیاث در طریق شیخ طوسی (ره) مشتمل بر علی بن محمد کاشانی است که نه تنها توثیق نشده، بلکه به گفته نجاشی مورد طعن احمد بن محمد بن عیسی واقع شده است.
۲. علاوه بر آن در طریق شیخ طوسی (ره) فردی به نام قاسم بن محمد معروف به «کاسولا» وجود دارد که به گفته نجاشی مورد رضایت نبوده است.
۳. طریق شیخ کلینی (ره) علاوه بر اشکال فوق، دارای ارسال نیز می‌باشد.
۴. طریق شیخ صدوق (ره) نیز به سبب وجود قاسم بن محمد ضعیف است.
۵. از آنجا که روایت حفص بن غیاث قابل استناد نیست برای جواز تصدق همراه ضمان به صحیح‌ه ع لی بن جعفر تمسک می‌کنیم که بنابر یکی از دو طریق نقل آن صحیح است:
(الف) طریق قرب الاسناد که مشتمل بر عبدالله بن حسن است و وی توثیق نشده.
(ب) طریق صاحب وسائل الشیعه، از کتاب علی بن جعفر که طریقی صحیح است.
۶. برای اثبات جواز تملک به همراه ضمان به صحیح‌ه حلبی از امام صادق (علیه السلام) تمسک شده است که می‌فرماید: تا یک سال تعریف کند، چنانچه صاحبش نیامد حکم مال خودش را دارد این روایت دلالتی بر ضمان همراه تملک ندارد.
۷. گاه برای اثبات ضمان در صورت تملک به روایت حنان تمسک می‌شود ولی سند این روایت مشتمل بر فردی به نام «ابوالقاسم» است که حالش مجهول است.
۸. استدلال به ضمان در صورت تملک لقطه به دو صورت است:
(الف) اولویت، (اگر در صورت تصدق، ضمان ثابت است، در صورت تملک به طریق اولی ضمان ثابت است).
(ب) صحیح‌ه علی بن جعفر از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) (بنابراین که بتوان حکم ضاله را به لقطه سرایت داد).
۹. مراد از «فهی کسبیل ماله» در صحیح‌ه حلبی دو احتمال وجود دارد:
(الف) بعد از یک سال، صاحب و مالک مال می‌شود و نیازی به قصد تملک ندارد.
(ب) بعد از یک سال، تصرف و استفاده از مال بر او جایز می‌شود مثل مال خودش.